

Analyzing the Effects of the Deal of the Century on the Security Order of the Middle East

Mehdi Lakzi^۱

Ehsan Ejazi^۲

(Received: 11/02/2023 - Accepted: 14/04/2023)

Abstract

Donald Trump's government administration has promised to finish the Palestinian-Israeli conflict in the West Asian region by implementing a new initiative named the Deal of the Century. By this deal, Israel will dominate the West Bank as much as possible and ignore the return rights of Palestinian refugees and the formation of a Palestinian state. The main question of this research is as follows:

“To what extent is the implementation of the deal of the century which can endanger the security order in the Middle East?”

Based on the available evidence, the hypothesis is that if the deal of the century is implemented, Saudi Arabia, Jordan, Egypt, and the Persian Gulf countries will find sufficient justification for normalizing their relations with Israel. Meanwhile, the resistance Therefore, regional security will face an unprecedented risk because the possibility of Arab and Israeli cooperation against the resistance axis will grow more than ever. If some of its provisions are implemented unilaterally, it will only increase tensions in the Middle East. The authors have used the model of "resolving territorial disputes" to analyze the probability of this project's success, using analytical and descriptive methods. In this research, Richard Little's "security environment" concept has been used to explain the balance of asymmetric forces resulting from the implementation of the deal of the century.

Keywords: Israel-Palestine conflict, Middle East, Security, Deal of the century, Arab countries

^۱ Ph. D, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Mehdi_lakzi@yahoo.com)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-3700-581X>

^۲ Ph. D, Department of International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran (Ehsanejazi95@gmail.com) **Corresponding Author**

Orcid Code: <https://0000-0003-3686-1913>

واکاوی تاثیرات معامله قرن بر نظم امنیتی خاورمیانه

مهدی لکزی^۱

احسان اعجازی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵)

چکیده

دولت ترامپ وعده داده است تا با اجرای ابتکاری جدید با عنوان معامله قرن به منازعه فلسطین - اسرائیل در منطقه آسیای غربی پایان دهد. پس از آنکه اعلام رسمی مفاد این طرح تا به امروز چندین بار به تعویق افتاده است اما ناظران سیاسی برخی از مفاد آن را پیش‌بینی کرده‌اند. بنا بر این پیش‌بینی‌ها، این طرح صلح با هدف تسلط هر چه بیشتر اسرائیل بر کرانه باختری و نادیده گرفتن حق بازگشت آوارگان فلسطینی و تشکیل دولت فلسطینی تهیه شده است. با این پیش‌فرض، پرسش اصلی این است که تا چه اندازه اجرای احتمالی طرح سازش معامله قرن می‌تواند نظم امنیتی در خاورمیانه را به خطر بیندازد؟ بر اساس شواهد موجود، فرضیه این است بنظر می‌رسد در صورت اجرای طرح معامله قرن، عربستان، اردن، مصر و کشورهای حاشیه خلیج فارس توجه کافی برای ایجاد و گسترش رابطه با اسرائیل پیدا کنند و در نتیجه کشورهای محور مقاومت بخصوص ایران و سوریه به مثابه بازیگران مخالف صلح شناسانده شوند و در نتیجه فضای لازم برای ایجاد رقابت شدید بین کشورهای اسلامی در

۱. دکتری علوم سیاسی واحد مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Mehdi_lakzi@yahoo.com)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-3700-581X>

۲. دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران (Ehsanejazi95@gmail.com) نویسنده مسئول

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-3686-1913>

خاورمیانه مهیا شود. در چنین شرایطی امنیت منطقه‌ای با خطری بی‌سابقه روبرو خواهد شد چرا که امکان همکاری اعراب و اسرائیل علیه محور مقاومت بیش از پیش وجود می‌آید. در این پژوهش از معیار «نوع محیط امنیتی» ریچارد لیتل بهره گرفته شده است تا موازنه قوای نامتقارن حاصل از اجرای طرح معامله قرن از طریق آن توضیح داده شود.

واژگان کلیدی: منازعه فلسطین اسرائیل، خاورمیانه، امنیت، معامله قرن، کشورهای عربی.

حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید، منازعه اعراب و فلسطین را که در اواخر دوره ریاست جمهوری اوباما در حاشیه سیاست خارجی ایالات متحده قرار داشت، وارد مرحله جدیدی نمود. با توجه به دوستی عمیق بین کابینه بنیامین نتانیاها و دونالد ترامپ، دور از انتظار نبود که دولت ایالات متحده سیاستی را در قبال این منازعه در پیش بگیرد که بیش از پیش در جهت منافع رژیم صهیونیستی قرار داشته باشد. ابتکار طرح معامله قرن را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد چرا که مفاد آن نشان می‌دهد که ایالات متحده در طرح خود تنها منافع حیاتی اسرائیل را در نظر گرفته است و از فلسطینی‌ها می‌خواهد که با دریافت پول از حقوق خود چشم‌پوشی کنند.

فارغ از تأثیرات طرح معامله قرن بر منازعه فلسطین و اسرائیل، اجرای این طرح می‌تواند بر موازنه قوا در منطقه تأثیر شگرفی بر جای بگذارد به گونه‌ای که با حل و فصل مناقشه، ممکن است کشورهای عربی و مسلمان بیشتری ترغیب شوند که رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخته و با آن رابطه سیاسی و دیپلماتیک برقرار سازند. در این صورت می‌توان چنین پیش‌بینی کرد که کشورهای عضو جبهه مقاومت به بهانه مخالفت با طرح صلح در منطقه خاورمیانه به انزوا کشانده شوند. در چنین شرایطی یک موازنه قوای نامتقارنی در منطقه خاورمیانه شکل می‌گیرد که می‌توان آن را بر اساس نظریه نوع محیط امنیتی ریچارد لیتل تبیین کرد تا بتوان راه‌های برون‌رفت از این وضعیت احتمالی را یافت. بنابراین برای درک بهتر شرایط منطقه در صورت اجرای طرح معامله قرن، ابتدا باید نظریه نوع محیط امنیتی لیتل مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب نظری

اگر امنیت ملی را از منظر تبارشناسانه بررسی کنیم، خواهیم یافت که مفهومی غربی و عمدتاً آمریکایی است که پس از جنگ جهانی دوم مطرح گردید. در واقع این تعبیر در واکنش به نیازها و شرایط یک دسته متمایز از دولت‌ها ظهور پیدا کرد. دولت‌های غربی عمدتاً از جوامعی قدرتمند و بادوام برخوردارند. تمدن و اقتصاد آنها مقیاس جهانی دارد و بسیاری از دولت‌های این گروه از کشورها حتی کشورهای کوچکی مثل سوئد، هلند و پرتغال از سنت یک قدرت بزرگ برخوردارند. پس از پایان جنگ جهانی دوم، دولت‌های غربی یک مجموعه امنیتی را شکل دادند که در آن هیچ کشوری از حمله نظامی از جانب کشور دیگر عضو گروه واهمه نداشت مگر آنکه جنگی فراتر از این چارچوب بین بلوک شرق و غرب در می‌گرفت. در واقع پس از سال ۱۹۴۵ چشم‌انداز امنیتی کشورهای غربی تحت تاثیر اولویت جلوگیری از جنگ عمده دیگری میان قدرت‌های بزرگ بوده است (آزر و مون، ۱۳۸۸: ۳۰).

اما امروزه مطالعات امنیتی فقط به مطالعه جنگ نمی‌پردازد اگرچه همچنان جنگ و استراتژی را بخشی مهم از امنیت تلقی می‌کند. همچنین برعکس دوران جنگ سرد، به امنیت صرفاً در سطح بین‌الملل توجه نمی‌شود بلکه در مطالعات امنیتی جدید بر ارتباط بین سطح بیرونی و داخلی تاکید می‌شود و آن دو جدای از هم تصور نمی‌شوند (عبدالله خانی، ۱۳۹۲). مطالعات امنیتی امروزی به موضوعات جدیدی که در عرصه امنیت ملی مطرح شده‌اند، تمرکز کرده است: مناقشات قومی که به جنگ‌های داخلی منجر شده و افراد غیرنظامی را در معرض خشونت دولتی گسترده قرار داده است؛ افزایش اهمیت رقابت اقتصادی، افزایش احتمال چرخش فناوری پیشرفته غیرنظامی بسوی کاربردهای نظامی، افزایش تعداد مهاجران و پناهندگان، خطرات ناشی از تخریب محیط زیست و تهدیدات مرتبط با هویت فرهنگی در سیاست بین‌الملل

مانند حقوق بشر و مذهب (کاتزنشتاین، ۱۳۹۰: ۱۸). از سویی دیگر اندیشمندانی چون محمد ایوب بر این باورند که ویژگی‌های امنیت ملی در دولت‌های غربی با ویژگی‌های امنیت ملی در دولت‌های جهان سوم تفاوت شایانی دارد. وی سه ویژگی اصلی امنیت ملی در غرب را جهت‌گیری خارجی آن (تهدید منشا خارجی دارد)، پیوند مستحکم آن با امنیت سیستمیک و پیوندهای محکم آن با اتحاد اصلی (پیمان ناتو) می‌داند. اما در خصوص کشورهای جهان سوم، محمد ایوب بر این عقیده است که برخلاف لفاظی‌های رهبران جهان سوم تهدیداتی که متوجه این کشورها می‌شود منشا خارجی ندارد بلکه تا اندازه زیادی اینگونه تهدیدات دلایل داخلی دارد. البته این امر بدان معنا نیست که تهدیدات خارجی وجود ندارند (Ayoob, 2007: 319).

از منظری دیگر می‌توان برای بررسی وضعیت امنیت در جهان سوم به دو محور عمده اشاره کرد که عبارتند از: ماهیت حکومت و ماهیت محیط. بهترین و موثرترین معیار امنیت در چارچوب ماهیت حکومت، «انسجام سیاسی اجتماعی» و در چارچوب ماهیت محیط، «نوع محیط امنیتی» است. در این میان شاخص‌سازی ریچارد لیتل برای مولفه‌های فوق پراهمیت است. لیتل سه شاخصه «حکومت‌های یکپارچه»، «حکومت‌های چندپاره» و «حکومت‌های دستخوش بی‌نظمی» را برای متغیر انسجام سیاسی اجتماعی بکار گرفته است. منظور از حکومت‌های یکپارچه؛ حکومت‌هایی هستند که با حمایت مردم و یا حداقل مخالفت آنها، بطور مشروع و انحصاری حفظ می‌شود. حکومت‌های چندپاره حکومت‌هایی هستند که قدرتشان از راه سلطه حفظ شده است و رقابت بین گروه‌های مختلف در داخل کشور برای دست یافتن به حکومت وجود دارد و مشروعیت در آن چندپاره است. حکومت‌های دستخوش بی‌نظمی حکومت‌هایی هستند که مشروعیت در آنها بسیار ضعیف است و هیچگونه اقتدار و قدرت مسلطی بر آنها وجود ندارد و مدام میان گروه‌های مختلف که قدرت نسبتاً برابری دارند، درگیری مسلحانه برای گسترش نفوذ و قدرت وجود دارد (عبدالله

خانی، ۱۳۹۲: ۱۴۲-۱۴۱).

لیتل در خصوص نوع «محیط امنیتی» نیز سه شاخصه «موازنه قوای متقارن»، «موازنه قوای نامتقارن» و «موازنه قوای فراملی» را بکار گرفته است. موازنه قوای متقارن مربوط به محیط امنیتی کشورهای قوی با قوی، موازنه قوای نامتقارن مربوط به محیط امنیتی کشورهای قوی با ضعیف و موازنه قوای فراملی مربوط به محیط امنیتی کشورهای ضعیف با ضعیف است. به عقیده ریچارد لیتل، بر پایه این تقسیم بندی، شاخص سازی و تعریف هر یک از شاخصه ها، کشورهای غربی مصداق بارز حکومت های یکپارچه و کشورهای جهان سوم نمونه بارز حکومت های چندپاره و یا دستخوش بی نظمی اند. بر همین اساس، ایده امنیت ملی در کشورهای دارای حکومت های یکپارچه تبلور یافته است و از آنجا که معیار انسجام سیاسی - اجتماعی یکی از معیارهای اصلی و مهم امنیت ملی است، می توان نتیجه گرفت که ایده امنیت ملی به کشورهای که دارای حکومت های یکپارچه نیستند (کشورهای جهان سوم) تسری پیدا نمی کند. از سوی دیگر در کشورهای دارای حکومت های یکپارچه، برخلاف حکومت های برخوردار از حکومت های چندپاره و یا دستخوش بی نظمی، موضوعات داخلی و درونزا نقش اندکی در امنیت ملی دارند و ایده امنیت ملی برای حفظ استقلال، هویت سیاسی و شیوه زندگی در برابر تهدیدات ناشی از بیگانگان بکار می رود نه در برابر تهدیدات داخلی. در واقع محیط امنیتی کشورهای دارای حکومت یکپارچه که اتفاقاً جز کشورهای قوی نیز هستند، بر مبنای موازنه قوای متقارن شکل گرفته است. لذا تماس ها طبق سلسله مراتب مشخصی صورت می گیرند و مسائل سیاسی - داخلی تأثیری اندک بر روابط خارجی دارد (عبدالله خانی، ۱۳۹۲: ۱۴۲-۱۴۱).

طرح معامله قرن

گمانه زنی های گوناگونی حول معامله قرن شده و برخی رسانه های عربی و عبری

ادعاهای گوناگونی داشته‌اند اما شاید بتوان گفت مهم‌ترین و رسمی‌ترین جزئیات معامله قرن تنها از سوی صائب عریقات، دبیر کمیته اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین، رسانه‌ای شده است. همخوان بودن ادعاهای عریقات با برخی افشاگری‌های رسانه‌های عبری نشان می‌دهد که می‌توان به آن استناد کرد. کلیات طرح فاش شده از سوی عریقات شامل موارد زیر است: ۱- شناسایی تمام شهر قدس به پایتختی رژیم صهیونیستی، ۲- تشکیل کشور یهودی اسرائیل (اکنون سازمان ملل، اسرائیل را بعنوان کشوری دموکراتیک اسرائیل و غیرنژادی (یهود) به رسمیت می‌شناسد)، ۳- تشکیل کشور فلسطینی عاری از هرگونه سلاح و ارتش متشکل از نوار غزه و بخشی از کرانه باختری، ۴- ایجاد یک گذرگاه تحت کنترل امنیتی اسرائیل میان نوار غزه و کرانه باختری برای اتصال این دو منطقه، ۵- الحاق ۱۰٪ دیگر از کرانه باختری به کشور اسرائیل، ۶- تعیین مرزهای نهایی و دقیق (که منظور شهرک‌های صهیونیستی در منطقه کرانه باختری است) هم به دو کشور اسرائیل و فلسطین واگذار می‌شود، ۷- عدم پذیرش حق بازگشت آوارگان فلسطینی و ۸- آب‌های منطقه‌ای، حریم هوایی و امواج الکترومغناطیسی تحت نظارت و مراقبت طرف صهیونیستی خواهد بود (مرکز اطلاع رسانی فلسطین، ۱۳۹۸).

در حقیقت این طرح سه طرف منازعه را شامل می‌شود: ۱- سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، ۲- حماس حاکم بر نوار غزه و ۳- رژیم صهیونیستی. نکته قابل توجه این است که هیچ کدام از سه طرف منازعه نپذیرفته‌اند که درباره این طرح توافق یا آن را امضا و یا حتی در خصوص آن مذاکره کنند. بنابراین از پیش مشخص است که مشروعیت این طرح به شدت با تردیدهای زیادی مواجه است (Open Democracy, 25 August 2019). دولت ترامپ برای موفقیت در اجرای این طرح تصمیم دارد تا حدود ۵۰ میلیارد دلار هزینه کند. بر این اساس ایالات متحده در نظر دارد این مبلغ را در طول ده سال در کشورهای مختلف سرمایه‌گذاری کند: ۲۸ میلیارد دلار در سرزمین فلسطین شامل نوار غزه

و کرانه باختری تحت اشغال و مبلغ باقی مانده در میان اردن (۷ میلیارد دلار)، مصر (۹ میلیارد دلار) و لبنان (۶ میلیارد دلار) تقسیم خواهد شد. مسئله اصلی این است که چه فرد یا کشوری می‌پذیرد که این مبلغ را پرداخت کند. بر طبق برآورد آمریکایی‌ها، کشورهای حاشیه خلیج فارس و بخش خصوصی عهده‌دار پرداخت این هزینه می‌شوند به گونه‌ای که آنها در ۱۷۹ پروژه زیرساخت و بازرگانی مشارکت خواهند کرد. بر اساس یکی از این طرح‌ها قرار است که یک کریدور بین نوار غزه و کرانه باختری با هزینه پنج میلیارد دلار ساخته شود. همانطور که مفاد این طرح نشان می‌دهد این ابتکار بسیار آرمانی است و تنها در جهات منافع اسرائیل تدوین شده است و در آن حقوق اساسی فلسطینی‌ها نادیده گرفته شده است (Aljazeera, 29 June 2019).

با این وجود اگر این طرح بطور کامل اجرا شود می‌توان انتظار داشت که شرایط امنیتی منطقه بغرنج‌تر و پیچیده‌تر شود چرا که براساس «نوع محیط امنیتی» مورد نظر ریچارد لیتل می‌توان گفت که اکثر کشورهای منطقه دارای «حکومت‌های چندپاره» و «حکومت‌های دستخوش بی‌نظمی» هستند و برای تامین امنیت خود به شدت به قدرت‌های بزرگ خارجی وابسته هستند و در نتیجه برای بهره‌مندی از پشتیبانی ایالات متحده در تامین امنیت، کلیات طرح معامله قرن را بپذیرند. در همین راستا کشور دارای حکومت یکپارچه (ایران) ممکن است در انزوا قرار بگیرد. در چنین شرایطی به احتمال بسیار، یک موازنه قوای نامتقارن شدید در منطقه شکل می‌گیرد که ممکن است امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با خطر بسیار جدی روبرو سازد. در این پژوهش کشورهای عربستان، اردن، مصر و کشورهای حاشیه خلیج فارس، کشورهای دارای حکومت‌های دستخوش بی‌نظمی در نظر گرفته شده‌اند که ممکن است در ازای دریافت تضمین امنیتی از سوی ایالات متحده به پذیرش طرح معامله قرن تن دهند و در نهایت اسرائیل را به رسمیت شناخته و با آن وارد تعاملات دیپلماتیک سیاسی و اقتصادی گسترده شوند. بنابراین لازم است تا موضع هر

کدام از این کشورها در خصوص معامله قرن بررسی شود تا میزان موفقیت این طرح و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران مشخص شود.

عربستان سعودی و معامله قرن

اقدامات محمد بن سلمان در دو سال گذشته نشان داده است که عربستان بسیار برای پذیرش طرح معامله قرن و به رسمیت شناختن اسرائیل مشتاق است. سکوت بحث برانگیز عربستان در ماجرای انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس، مصاحبه جنجالی بن سلمان با نشریه آتلانتیک و به رسمیت شناختن کشور «اسرائیل» و دیدارهای متعدد علنی و غیرعلنی بن سلمان با مقامات اسرائیلی و کوشنر، داماد ترامپ، بخشی از نشانه‌های نقش آفرینی مستقیم سعودی‌ها در تحقق معامله قرن است. در همین راستا امارات متحده عربی و عربستان سعودی از برگزاری اجلاس اقتصادی بحرین که توسط دولت ترامپ برای پیشبرد طرح معامله قرن برنامه‌ریزی شده بود، استقبال کردند. بنظر می‌رسد کمک‌های مالی و اقتصادی این دو کشور در جهت بهبود وضعیت اقتصادی فلسطین، می‌تواند چشم‌انداز موفقیت این طرح را بیشتر کند (Middle East Eye, 21 May 2019). اسرائیل و مقامات فلسطینی به اجلاس بحرین دعوت نشدند، لبنان و عراق دعوت شدند اما از شرکت در آن خودداری کردند. کشورهایی که به اجلاس بحرین دعوت شده و در آن شرکت کردند، شامل کشورهای زیر می‌شود: چین، مصر، اردن، مراکش، قطر، روسیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، انگلیس و اتحادیه اروپا (Carnegie Endowment for International Peace, 24 June 2019). مقامات سعودی امیدوارند که اجرای این طرح سبب تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی شود. به همین دلیل یک دیپلمات سعودی در مصاحبه‌ای چنین اظهار داشته است که: «این منازعه خونین بیش از اندازه به طول انجامیده است. ایالات متحده، عربستان، کشورهای حاشیه خلیج فارس به همراه مصر و اردن

پذیرفته‌اند که زمان جنگ با اسرائیل پایان یافته است». وی در ادامه چنین ادعا کرده است که با وجود پذیرش پایان زمان جنگ با اسرائیل، پادشاهی سعودی هنوز به تعهد خود به فلسطینی‌ها پایبند است. حتی سعودی‌ها از مقامات فلسطینی انتقاد کرده و آنها را به بی‌مسئولیتی متهم می‌کنند. به عقیده سعودی؛ رهبری فلسطین، طرح معامله قرن را که می‌تواند برای آنها ۵۰ میلیارد دلار به ارمغان بیاورد نپذیرفته‌اند که نشان از بی‌مسئولیتی آنها در زمینه بهبود وضعیت اقتصادی دارد (The Jerusalem Post, 22 June 2019).

با این وجود باید در نظر داشت که عربستان سعودی که مشتاق‌ترین کشور برای پذیرش طرح معامله قرن بوده است، در شرایط کنونی با مشکلات اقتصادی داخلی و جنگ یمن روبرو است که برای این کشور میلیاردها دلار هزینه در پی داشته است. از سوی دیگر دولت ترامپ برای اجرای طرح صلح خود امید زیادی به کمک‌های مالی سعودی‌ها دارد. اما در چنین وضعیتی، انتظار از عربستان سعودی برای اجرای ابعاد اقتصادی این طرح چندان واقع‌بینانه بنظر نمی‌رسد (Aljazeera, 29 June 2019). همچنین «دیوید میلر»، مذاکره‌کننده آمریکایی، در خصوص مسائل خاورمیانه در دوران ریاست جمهوری دموکرات‌ها و جمهوری خواهان، بر این عقیده است که این طرح لازم است اما کافی نیست. به باور او اگر ایالات متحده می‌توانست صلح را از طریق توسعه اقتصادی به خاورمیانه بیاورد می‌توانست این کار را پیش از این انجام دهد. به عقیده میلر تا زمانی که مشکل تشکیل دولت مستقل فلسطینی/ اسرائیلی و نیز مسئله بیت المقدس حل نشود، نمی‌توان به حل و فصل این منازعه امید داشت (New York Times, 19 May 2019).

اردن و معامله قرن

اردن از معدود کشورهای اسلامی است که اسرائیل را به رسمیت شناخته است و از همین جهت موضع آن در قبال طرح معامله قرن بسیار حائز اهمیت است.

علاوه بر این، نقش تاریخی اردن در قضیه فلسطین و زندگی دو میلیون آواره فلسطینی در این کشور بر اهمیت اردن در اجرای هرگونه طرح صلحی افزوده است. پس این پرسش اساسی مطرح می‌شود که اجرای این طرح چه تاثیری می‌تواند بر هویت اردنی‌ها و حاکمیت در اردن بر جای بگذارد. بسیاری بر این عقیده هستند که با عملیاتی شدن معامله قرن، انسجام اجتماعی اردن و به تبع آن پادشاهی این کشور فروخواهد ریخت. با آنکه ۷۰ درصد جمعیت اردن را فلسطینی‌ها تشکیل می‌دهند اما آنها از حق رای و شهروندی محروم هستند. با اجرای معامله قرن، اردن باید پذیرای تعداد بیشتری از فلسطینی‌ها شود که طبق این طرح باید به کشور اردن نقل مکان کنند. چنین تغییرات جمعیتی وضعیت پادشاهی اردن را در مخاطره جدی و حکومت دستخوش بی‌نظمی آن را در پرتگاه سقوط قرار می‌دهد (Morocco World News, 6 December 2019). بطور کلی معامله قرن را می‌توان یک تهدید برای موجودیت اردن به شمار آورد. سال‌هاست که گروه‌های سیاسی مختلف در اردن بر این موضوع تاکید می‌کنند که هرگونه طرح صلح باید مبتنی بر تشکیل دو دولت باشد که طبق آن آوارگان فلسطینی به سرزمین مادری‌شان بازگردند و در این صورت امنیت و یکپارچگی اردن تضمین می‌شود. همچنین اردنی‌ها نگران هستند که ایالات متحده از ملک عبدالله بخواهد تا نیروهای امنیتی اردن که توسط آمریکا آموزش دیده‌اند را برای برقراری امنیت به کرانه باختری و بیت المقدس شرقی بفرستد (Asia Times, 22 June 2019). در چنین وضعیتی ملک عبدالله ممکن است از این طرح پشتیبانی نکند مگر آنکه ایالات متحده تضمین‌های امنیتی چشمگیری را به این پادشاهی وعده دهد. پادشاه اردن از اینکه حکومت دستخوش بی‌نظمی‌اش با اجرای معامله قرن با فروپاشی روبرو شود بسیار نگران است و در نتیجه در قبال این طرح موضعی محافظه‌کارانه و محتاطانه اتخاذ کرده است. برای اردن بسیار مهم است که برای مسئله آوارگان فلسطینی و امنیتش قبل از اجرای طرح تدابیری اندیشیده شود.

مصر و معامله قرن

ژنرال السیسی، رئیس جمهور مصر، در مسئله معامله قرن همکاری خوبی با صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها داشته است. با این وجود مصر با توجه به هم‌مرزی‌اش با نوار غزه و همچنین صحرای سینا، منافع و حساسیت‌های خاص خود را در اجرای این طرح در نظر می‌گیرد. برای جلب پشتیبانی مصر، به مقامات این کشور پیشنهاد شده است تا حدود نه میلیارد دلار در مصر سرمایه‌گذاری صورت بگیرد. بر اساس این طرح اقتصادی، پنج میلیارد دلار برای مدرن کردن زیرساخت‌های حمل و نقل مصر هزینه خواهد شد. یک و نیم میلیارد دلار نیز برای تبدیل مصر به یک هاب گاز طبیعی در منطقه خاورمیانه سرمایه‌گذاری خواهد شد. دو میلیارد دلار نیز برای اجرای پروژه توسعه صحرای سینا اختصاص داده شده است که طبق آن ۵۰۰ میلیون دلار برای پروژه تولید برق، شبکه آبرسانی، سیستم حمل و نقل و پروژه‌های توریستی هزینه خواهد شد. همچنین ۱۲۵ میلیون دلار برای کمک مالی به شرکت‌های بازرگانی متوسط و کوچک مصری و نیز ۴۲ میلیون دلار برای به‌روزرسانی خطوط انتقال برق از مصر به نوار غزه در نظر گرفته شده است (Middle East Monitor, 24 June 2019).

ایران و معامله قرن

جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از پشتیبانان اصلی آرمان آزادی کل فلسطین و نابودی رژیم صهیونیستی بوده است. در خصوص معامله قرن با توجه به عدم رسمیت آن، ایران موضع‌گیری‌های زیادی نداشته است و تنها برخی از مقامات ایران به آن انتقاداتی وارد کرده‌اند. با این وجود، آیت الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب، درباره این طرح چنین فرموده‌اند: «اکنون آمریکایی‌ها نام سیاست شیطان‌ی خود درباره فلسطین را «معامله قرن» گذاشته‌اند اما بدانند که به فضل الهی، این معامله قرن هرگز محقق نخواهد شد و به کوری چشم دولتمردان

سیاست خارجی هند در قبال غرب آسیا... ۱۸۳

امریکا، قضیه فلسطین از یادها نخواهد رفت و قدس پایتخت فلسطین باقی خواهد ماند» (خبرگزاری فارس، ۲۵ تیر ۱۳۹۷). در حالی که خود فلسطینی‌ها طرح معامله قرن را بطور کامل رد کرده‌اند، دلیلی وجود ندارد که ایران با وجود تحریم‌های شدید و تجربه حمایت ایالات متحده از عراق در طول جنگ ایران و عراق، این طرح صلح را قبول کند (Independent, 8 January 2020). حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، نیز چنین پیش‌بینی کرده است که این طرح با موفقیت همراه نخواهد شد: «معامله قرن قطعاً به ورشکستگی قرن تبدیل شده و به نتیجه نمی‌رسد» (خبرآنلاین، ۱۰ خرداد ۱۳۹۸).

اسرائیل و معامله قرن

در صورت اجرای معامله قرن، اسرائیل بزرگترین برنده این طرح صلح خواهد بود. فارغ از اینکه طرح مذکور بطور کامل منافع اسرائیل را در نظر گرفته است، ایالات متحده در زمان ریاست جمهوری ترامپ اقداماتی را انجام داده است که کاملاً در راستای منافع اسرائیل بوده است: ۱- انتقال سفارت ایالات متحده به بیت المقدس، ۲- شناسایی بلندی‌های جولان به عنوان اراضی اسرائیلی، ۳- قطع همه کمک‌های ایالات متحده به فلسطینی‌ها و ۴- تعطیلی دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین در واشنگتن (Carnegie Endowment for International Peace, 24 June 2019). همچنین اجرای معامله قرن این فرصت را برای اسرائیل بوجود می‌آورد تا تلاش‌های چندین ساله خود برای برقراری رابطه دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای حاشیه خلیج فارس را دوچندان کرده و ایجاد چنین روابطی را در آینده نزدیک تضمین نماید.

نتیجه‌گیری

بررسی طرح معامله قرن و مواضع بازیگران تأثیرگذار در کنار موانع تحقق آن این‌گونه بنظر می‌رسد که این طرح با چالش‌های جدی روبروست اما

شکل‌گیری مثلثی هماهنگ متشکل از ایالات متحده، کشورهای عربی حامی سازش و اسرائیل به دنبال آن هستند تا با بهره‌گیری از قدرت اقتصادی خود طرح معامله قرن را اجرایی سازند. با این وجود این طرح را باید فراتر از مسئله منازعه اعراب و اسرائیل در نظر گرفت. بنظر می‌رسد ایالات متحده با اعطای امتیازات امنیتی و اقتصادی به کشورهای عربی که دستخوش بی‌نظمی هستند قصد دارد آنها را برای پذیرش این طرح متقاعد سازد. در واقع کشورهای عربی با اجرای این طرح می‌پذیرند که اسرائیل را بطور کامل به رسمیت شناخته و حقوق فلسطینی‌ها در خصوص تشکیل یک دولت فلسطینی را نادیده بگیرند. همچنین با عملیاتی شدن این طرح، محوری عربی-اسرائیلی-آمریکایی در برابر محور مقاومت به رهبری ایران شکل خواهد گرفت و موازنه قوا کاملاً بصورت نامتقارن در خواهد آمد.

منابع

فارسی

آزر، ادوارد ای و این- مون، چونگ، (۱۳۷۹)، *امنیت ملی در جهان سوم*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

عبدالله خانی، علی، (۱۳۹۲)، *نظریه‌های امنیت*، تهران: ابرار معاصر تهران.
کاتزنشتاین، پیتر. جی، (۱۳۹۰)، *فرهنگ امنیت ملی؛ هنجارها و هویت در سیاست خارجی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مرکز اطلاع رسانی فلسطین، ۱۳۹۸، دسترسی در:
[/https://farsi.palinfo.com/news/2018/3/3](https://farsi.palinfo.com/news/2018/3/3)

خبرآنلاین، ۱۰ خرداد ۱۳۹۸، «نه» بلند چهره‌های سیاسی و نظامی ایران به معامله قرن، دسترسی در: [/https://www.khabaronline.ir/news/1265494](https://www.khabaronline.ir/news/1265494)

خبرگزاری فارس، ۲۵ تیر ۱۳۹۷، سیاست شیطانی «معامله قرن» هرگز محقق نمی‌شود / کمیته حقیقت‌یاب فاجعه منا تشکیل شود، دسترسی در:
<https://www.farsnews.com/news/13970425000550>

References

Aljazeera, 29 June 2019, "Who Will Pay for Trump's \$50bn 'Deal of the Century'?", Access in: <https://www.aljazeera.com/programmes/counting-the-cost/2019/06/pay-trump-50bn-deal-century-190628115748264.html>.

Aljazeera, (2019), "The 'deal of the Century' as a Deliberate Deception", Access in: <https://www.aljazeera.com/indepth/opinion/deal-century-deliberate-deception-190628144450709.html>.

Asia Times, (2019), "Deal of the Century existential threat to Jordan", Access in: <https://www.asiatimes.com/2019/06/article/deal-of-the-century-existential-threat-to-jordan>.

Ayoob, Mohammed, (2007), *Security in the Third World: The Worm About to Turn?* In Buzan, Barry and Hansen, Lene(Ed.), *International Security*, London: SAGE Publication.

- Carnegie Endowment for International Peace, 24 June 2019, “Trump’s Middle East Peace Plan Is in the Works. What Does the Region Think?”, Access in: <https://carnegieendowment.org/2019/06/24/trump-s-middle-east-peace-plan-is-in-works.-what-does-region-think-pub-79365>.
- Independent, 8 January 2020, “Iran doesn't want Trump's 'Deal of the Century' — and Its revenge tactics go far beyond official warfare”, Access in <https://www.independent.co.uk/voices/iran-trump-speech-revenge-soleimani-nuclear-deal-a9276066.html>.
- Middle East Eye, 21 May 2019, “UAE and Saudi Arabia back Trump's 'deal of the Century' Economic Conference”, Access in: <https://www.middleeasteye.net/news/uae-backs-trump-administrations-deal-century-economic-conference>.
- Middle East Monitor, (2019), “\$9 Billion for Egypt in return for Deal of the Century”, Access in: <https://www.middleeastmonitor.com/20190624-9-billion-for-egypt-in-return-for-deal-of-the-century/>
- Morocco World News, 6 December (2019), “Deal of the Century – Implications for Jordanian Identity and Sovereignty”, Access in: <https://www.Morocroworldnews.com/2019/12/288351/dea-century-jordanian-identity-sovereignty>.
- New York Times, (2019), “Trump to Open Middle East Peace Drive with Economic Incentives”, Access in: <https://www.nytimes.com/2019/05/19/us/politics/trump-middle-east-peace-plan.html>.
- Open Democracy, (2019), “The “Deal of the Century” is Already on the Ground before Being on Paper”, Access in: <https://www.opendemocracy.net/en/north-africa-west-asia/the-deal-of-the-century-is-already-on-the-ground-before-being-on-paper/>
- The Jerusalem Post, 22 June 2019, “Saudi Official Says 'Deal of Century' Leads to Full Palestinian Statehood”, Access in: <https://www.jpost.com/Israel-News/Saudi-official-says-Deal-of-Century-leads-to-full-Palestinian-statehood-593306>.